طهران

جناب حاجی امین علیه بهآء اللّه الأبهی

هواللّه

ای ثابت بر پیمان نامهٴ شما که بتاریخ ۵ ذی‌حجّهٴ ١٣٣٩ بود رسید مرقوم نموده بودید که جمیع حسابها را صاف کردم و در پاکت گذاشته ارسال نموده بودم آن پاکت رسید حاجی یوسف متّحده بواسطهٴ بغداد یک فقرۀ پانصد جنیه و فقرهٴ دیگر سیصد جنیه ارسال نموده مرقوم نموده بودید امورات ملکی کل در تغییر و تبدیل است لهذا معاملات کل مختل امیدوارم که بهمّت اولیای امور این تغییر و تبدیل استقرار یابد و عدل و انصاف بمیان آید و معاملات انتظام جوید حضرات مبلّغین مانند نبیل‌زاده و مطلق فی‌الحقیقه جانفشانند الحمد للّه احبّای الهی در امور سیاسی مداخله نمی‌نمایند بخدا مشغولند و بتأسیسات الهیّه مألوف بتحسین اخلاق ملّت میپردازند و بتسکین نفوس همّت میکنند تا بنیهٴ ملّت قوّت گیرد و چون بنیه قوّت گیرد جمیع امراض و علل سائره مندفع گردد

امّا عبارت عبدالبهآء که این گلهای مختلف اللّون و مختلف العطر زینت بستان الهیست این بیان خطاب بطائفهٴ سفید و طائفهٴ سیاه امریکاست زیرا اهل عالم بر پنج رنگ‌اند یک قسم سفیدند مانند فرنگیان یک قسم سیاهند مانند اهالی سودان و سیاهان امریکا و یک قسم زردند مانند جاپان و اهل چین و یک قسم سبزه‌اند مانند عرب و یک قسم سرخند مانند اهالی اصلی و قدیمی امریکا و میانهٴ این الوان جنگ و جدال علی‌الخصوص بین سفیدان و سیاهان و سرخان امریکا لهذا از فم عبدالبهآء صادر که نباید این الوان با یکدیگر درآویزند بلکه باید بیامیزند زیرا این اختلاف بشر در الوان مانند اختلافیست که در انواع گلهای گلستانست و سبب زینت بوستانست والّا یک کلمهٴ اختلاف در میان احبّا هادم بنیانست باری امید چنان که یاران موافق عاشق و آشفتهٴ یکدیگر باشند هر یک جان فدای دیگری نماید و خود را خادم دیگران شمرد نه مثل بعضی خود را ممتاز از کل میشمرند و کوس لمن الملکی میزنند باری همانست که مرقوم نموده بودی باید نسبت بحقّ در مقام تسلیم و رضا بود و غرق در دریای شکران الحمد للّه رایت الهی بلند است و انوار اشراق در جمیع آفاق تابنده الحمد للّه چشم شما حال با وجود تقدّم سنّ خوب میبیند و مکاتیب را خوب مینگارید و الحمد للّه معاون دارید قدر میرزا مهدی شریک خود را بدان و پیام و تحیّت ابدع ابهی از قبل من باو برسان و علیک البهآء الأبهی

حیفا

١٠ صفر ١٣۴٠

عبدالبهاء عباس

جناب امین مکتوب جوف از بندهٴ خاضع خاشع صادق جمال مبارک شوقی افندیست که بکمال تعجیل مرقوم نموده است چون حوادثش سبب سرور ثابتین است ارسال میگردد ع ع

هوالأبهی

سیّدی و منتهی املی و مولای الحنون چگونه ستایش و نعت امر مبارکت را نمایم که در این مدینۀ کبری شهر منچستر که اهالی از تمام طبقات غافل و غرق مادّیّاتند همچه نفوس خالصۀ مومنۀ مبارکی مبعوث نمودی سراجی در این مدینه روشن نموده‌اند که از اوّل طلوع امر در جزایر انگلستان همچه نوری و همچه شعله‌ئی ملاحظه نگشته حسب الوعده‌ئی که چندی پیش باحبّای منچستر داده بودم دیشب را در نهایت اشتیاق بالبسۀ ایرانی یعنی کلاه ایرانی در مجمع احبّا حاضر گشتم دسته‌ئی هستند که مثیل و مانندی جز در ایران نداشته و ندارند عدّه‌شان قریب به سی نفر همگی از طبقۀ رنجبران فقیر و محتاج در زیر زمین محفل امری آراسته‌اند و زن و مرد با اطفالشان در بغل مسافاتی طیّ نموده شبانه باین محفل می‌آیند مرا چنان در بغل گرفته‌اند که بی‌اختیار متأثّر گشتم علی‌الخصوص آن خانمی که گیسوی مشکینش را وقف مشرق‌الأذکار نموده بحدّی مفلوک و محتاج است که منزل درستی ندارد که بکسی ارائه دهد چه رسد بمهمانداری پدرش ازین عالم رفته و مادرش چون ایرلندی است کاتولیک متعصّب و از دخترش بی‌زار معذلک این زن لوح مبارک را که چندی پیش از برایش نازل شده در دست گرفته بیک شور و شعله‌ئی با احباب معاشرت و مصاحبت می‌نماید و باین عنایت افتخار میکند که چه عرض نمایم سه ماه نیست بنور ایمان فائز گشته و هر ساعتی از ساعات حیاتش را وقف تحصیل امری و مطالعۀ نجم باختر و البشارة می‌نماید چه قدر شیفتۀ لسان فارسی است و هیچ فکری جز خدمت امر ندارد چون لوح مبارک ارائه نمود و خواهش کرد که در مجلس بلحن قرائت نمایم بدرجه‌ئی از شیرینی عبارات و استعارات مندرجۀ در آن لوح متأثّر گشتم که بی‌اختیار اشکم جاری گشت و سایرین هم حالشان منقلب محفلی داشتیم بعینه مانند محافل احبّا و دوستان ایرانی و تا نصفۀ شب صحبت و گفتگو میکردیم بتدریج نفوس آگاه میشوند و این محفل حقیر زیرزمینی از حرارت این چند نفر اتّساع و اهمّیّت پیدا میکند از جمله کشیشی که نامش مستر هیلیس Healds است در زمرۀ یاران داخل شده و در نهایت شیرینی صحبت میکند و آن عبارات و استعارات فصیحۀ بلیغۀ مبشّرین را در مدح و ستایش حضرت بهآءالله بیان میکند و تأثیر کلامش عجیب امروز را دو مجلس خواهم داشت و یکی از آن در منزل او خواهد بود هرچند این دسته‌ئی مشتّت و دور از یکدیگرند ولی چون روز مجلس میرسد اقربایشان را گذاشته اطفالشان را در بغل میگیرند و پیاده بمرکز محفل می‌شتابند چه قدر حال اطفالشان شباهت بحال اطفال احبّای آلمان دارد که تفصیل آن را از لسان مبارک و بعضی از احبّا که به آلمان و اشتوتگارت سفر نموده‌اند شنیده شده دو سه نفر از احبّای ایرانی موجود و هر سه دو برادرند و از اقربای متّحده هستند یکی از آنان در امور ملکی مؤیّد و موفّق است یعقوب یوسف و برادر دیگری ابراهیم و چقدر مساعدۀ این احبّای فقیر محتاج را می‌نمایند بچند عدّه نجم باختر و البشارة مشترک گشته و بین دوستان این مدینه مرتّباً این جراید امریّه را توزیع می‌نماید و چندی قبل مبلغ نوزده جنیه اعانه‌ئی از برای احبّای لندن بواسطۀ روزنبرگ فرستاده بود همین جوان ایرانی مستر یوسف از من رجا نموده که بحضور عرض نمایم که هر گاه مبلّغی را باین صفحات ارسال فرمایند تمام مصارفش را بر عهده خواهد گرفت چه که در امور ملکیش الحمد لله موفّق است پدر روحانی این جمع احبّا مستر Hall هال است که حتّی امور معیشت را فراموش نموده از یک محل بیک محل از یک کلیسیا بیک کلیسیا رفته میکوشد و میجوشد که نفوس را آگاه کند یک دختری دارد که حال امآء الرّحمن ایران را که سالهای سال در امر تربیت شده‌اند از حیث محبّت و حرارت ایمان مجسّم می‌نماید حقیقةً بهیچوجه گمان نمی‌نمودم که همچو نفوسی در این مدینه هستند مرکز امر فی‌الحقیقه در منچستر است نه در لندن مستر ریمی و یک جوان هندو که در نزدیک این شهر تحصیل میکرد و دکتر اسلمون این جمع احبّا را این چند ماه اخیر خوب به شعله آورده‌اند و آنچه عرض نمایم باز بآن نحوی که باید و شاید تعریف و توصیفشان را ننموده‌ام بچه شوقی تحصیل تاریخ و تعالیم امر را می‌نمایند تشنۀ بشارات امریّه‌اند و عجب عشقی باسم عبدالبهآء دارند جمیعاً عریضه‌ئی تقدیم نموده‌اند و امضای هر یک در ذیل و لفّاً در این عریضه بساحت اقدس تقدیم میگردد رجا و استدعای صمیم آنست که لوح غرّائی بافتخارشان جمیعاً نازل گردد و اسامی هر یک از قلم مبارک ذکر شود و بواسطۀ این فانی ارسال شود تا باحسن عبارات ترجمه نموده از برای این نفوس خالصه ارسال دارم شور و ولهشان را اضعاف ماقبل خواهد نمود و فی‌الحقیقه سزاوار و مستحقّند سه چهار روزی در این‌جا اقامه خواهم نمود و بقدر امکان در منزل هر یک خواهم رفت هر چه قدر حقیر و پست باشد فی‌الحقیقه مستحقّ هر گونه عنایتند و کم نفوسی هستند در تمام بلاد غرب چه اروپ و چه امریک که بمثل این نفوس قابل عنایات و الطاف کلّیّه باشند این مستر هال خدمات شایانی خواهد کرد و دخل به هیچ‌کدام از احبّای لندن حتّی از قدمای احبّا و مؤمنات ندارد ولی ملاقات این نفوس روح را حرارتی می‌بخشد که چه عرض نمایم چقدر از فحوای لوح مبارک که بافتخار احبّای نجف‌آباد یک دو ماه پیش نازل شده و ذکر این خانم و مشرق‌الأذکار را می‌فرمایند مسرور و مشتعل گشتند عجب اطمینان و ایقانی دارند مثل کوه مطمئن هستند که این امر جهانگیر خواهد شد و کوشش و سعیشان از حدّ وصف خارج استدعای دیگرم آنست که عنایتی ولو دو کلمه باشد بافتخار یعقوب یوسف نازل گردد چه که با اموالش بسیار مساعدۀ دوستان محتاج این مدینه را می‌نماید و نه همین مساعدۀ ملکی می‌نماید بلکه بسیار با حرارت و محبّت است و او و دو برادرش فی‌الحقیقه مؤمنند از من خواهش و التجا نموده که حضور عرض نمایم که تأیید مبارک شامل حالش گردد تا قوّۀ بیان یابد و در تحریر و تقریر براعت حاصل نماید و باین واسطه خدمت شایانی باین امر کند امیدم چنانست که دعایش مستجاب گردد این عریضه بطول انجامید و اسباب تصدیع خاطر مبارک گشت ولی به نحوی دیشب از ملاقات این احبّای حقیقی جمال مبارک متأثّر گشتم که شب را راحت نخوابیدم تا صبح شود و این عریضه را عرض نموده تفصیل حالشان را به تفصیل در ساحت اقدس ذکر نمایم خیلی تعریف این نفوس را از چند ماه گذشته از بعضی شنیده‌ام ولی ابداً گمان نمی‌نمودم که چنان باشد عجب نفوسی مانند این خانم و مستر هال مبعوث شده‌اند و چه ترقّی سریعی در عالم امر می‌نمایند سال گذشته از قرار مسموع ابداً این حال را نداشتند روز بروز بهتر و محکمتر و خالصتر میگردند امیدم چنانست که لحظات اعین رحمانیّت همواره شامل حالشان باشد در لندن لیدی بلامفیلد را ملاقات نمودم و خیال دارد که این زمستان را به حیفا مشرف گردد و همچنین همشیرۀ تیودرپول و از من خواهش کرد که ذکرش در عریضه‌ام نمایم و عرض نمایم که ایّام کلیفتون هیچوجه از نظرش محو نخواهد شد یوحنّا داود و ضیآءالله هر دو عرایض عبودیّت و محویّت بخاکپای مبارک تقدیم می‌نمایند عنقریب به اکسفورد مراجعت نموده رشتۀ کارم را دوباره خواهم گرفت و از قراری که لیدی و روزنبرگ و کروپر ذکر می‌نمایند بیانات و الواح جمال مبارک بعبارات احسن و افصح از قبل ترجمه شده تأیید و توفیق مبارک را همیشه ملتمس و رجامندم

بندۀ خاک آستانت شوقی

٢ اکتوبر ١٩٢١

مستر هیلیس Healds که در این عریضه ذکرش را نموده ناطق و مطّلع است و در معبد و کلیسیا علناً صحبت میکند و وعظ می‌نماید و ذکر امر و نام حضرت بهآءالله را بر زبان میراند اگر عنایتی در حقّش شود بر حرارت و شورش خواهد افزود مجلس پررونقی در منزلش امشب داشتیم و سرود و اشعار به فارسی و انگلیزی خواندیم بی‌نهایت خود و دخترش که مؤمنه است مسرور و متبهّج گشتند از جملۀ احبّاء مطّلع و متنفّذ منچستر است دیگر آنچه برضای مبارک است

شوقی

از قرار معلوم این خانمی که گیسویش را که تقدیم مشرق‌الأذکار نموده در امور زندگانیش بسیار بسیار در زحمت است و قرینش مؤمن نه و ازین جهة این خانم آن طوری که باید و شاید ملاطفت و مصاحبت با او نمی‌نماید مستر هال رجایش آنست که بدو کلمه او را امیدوار فرمایند و امر بمدارا و محبّت باو فرمایند عکس جمعیّتی احبّا هم برداشته شد و قریب سی نفر از احبّا موجود و جناب آقا ضیآءالله که اسبابش را در این‌جا فراهم آورده‌اند یک نسخه بساحت اقدس خواهند ارسال داشت جناب مستر یوسف مذکور کرّة اخری از بنده رجا نموده‌اند که دعای او و استدعایشان از محضر مبارک که قوّۀ بیان از برای ترویج کلمة الله عنایت گردد مستجاب شود

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر